

لك الحمد يا الهى بما كشفت الغطاء و هتكت الحجاب ...

حضرت عبدالبهاء

نسخه اصل فارسی



از الواح حضرت عبدالبهاء - بر اساس نسخه موجود در "کتابخانه آثار بهائی" در مرکز جهانی بهائی

- شماره ۱۰۹۳

کاشان

بواسطة جناب امین و امة الله الموقنه آقا بگم
جناب حاجی ملا ابراهیم و آقا میرزا ضیاء الله علیهما بهاء الله الأبهی

هو الله

لك الحمد يا الهى بما كشفت الغطاء و هتكت الحجاب و اوقدت سراج الهدى فى قلوب نفوس انجذبوا الى مشاهدة الجمال فى الأفق الأعلى و هديتهم الى المنهج القويم و الصراط المستقيم حتى سلکوا فى المحجة البيضاء و وردوا على الشريعة السمحة النوراء و شربوا من زلال العرفان و ترنخوا من نسائم رياض الايقان رب رب انزلهم منزلاً مباركاً و ادخلهم مدخل صدق و اجعلهم آيات الثبوت و الرسوخ بين خلقك و رايات العزة و الحبور بين عبادك لا تزغزغهم زوابع الامتحان و لا تزلزلهم قواصف الافتتان و يقوموا على نصره امرک و نشر نفعاتک و هداية الذين احتجبوا بعدما آمنوا و نكثوا بعدما عاهدوا و رجعوا بعدما اقبلوا فهموا فى فلوات الظلام و احتجبوا عن مشاهدة نور الجمال مع ذلك أنهم عبادك و خلقك فهم ضعفاء يستحقون فضلك و عنايتك و فقراء يحتاجون الى كنز غنائك رب رب أنهم عمى فأبصرهم و صم فأسمعهم و بكم فأنطقهم و اموات فأحيهم بنفحات قدسک انک انت المقتدر العزيز القوى العليم الحكيم

ای دو نفس زکیه راجعه الى الله چون ندای هاتف غیبی را بگوش جان شنیدید که میفرماید یا ایها النفس المطمئنة ارجعی الى ربک الحمد لله رجوع الى الله نمودید و از بیداء هلاک نجات یافته بسرچشمه حیات رسیدید پرده و حجاب دریدید و نور حقیقت دیدید این از فضل و موهبت حضرت کبریاست که دیده بسته را باز نمود و از مفازة بی فوز و فلاح بساحل بحر الطاف وارد نمود حال وقت آنست که آن قوم عنود را از جحود یهود خلاص نمائید و بجمال موعود هدایت کنید و برورد مورود وارد و از رفد مرفود نصیب بخشید و در ظل ممدود درآرید و بمقام محمود رسانید

سبحان الله موعود جمیع کتب و صحف بشروطی مشروط و بعلاماتی مرهون که بظاهر اگر ناس محتجب میشدند بهانهائی داشتند مثلاً موعود یهود مشروط بخروج از مکان غیر معلوم بود و از جمله شروطش سلطنت غیر محدود و جلوس بر سریر



ORIGINAL

داود و سلّ سیوف و تجهیز الوف و ترویج تورات و تشهیر آیات و تعمیم شریعت موسی و ظهور عدالت کبری تا گرگ و بره و پلنگ و بزغاله و شیر و گوساله و مار و طفل شیرخواره همدم و هم‌آشیان و هم‌راز گردند و این بنصوص قاطعۀ تورات مسلم در نزد عموم بود چون حضرت روح الله بنور هدی آفاقر روشن کرد هیچیک از این شروط و علائم بحسب ظاهر آشکار نگردید زیرا کلّ این بیانات معانی حقیقی داشت و رموز و اسرار بود اگرچه یهود انکار نمودند ولی بحسب ظاهر عذری در کار بود

و همچنین موعود انجیل باید با خیل و حشمی عظیم و جنود ملائکۀ علیین بر ابری سوار از آسمان بزمین آید و آفتاب و ماه تاریک شود و جوق نجوم بر روی ارض متساقط شود و آن موعود جلیل با بوق و نفیر و افواج فرشتهٔ اثیر از آسمان باینجهان آیند و شرق و غرب را بصوت صافور بیدار و هشیار کنند لهذا اگر مسیحیان در ظهور جمال محمدی بهانه‌ئی جستند بحسب ظاهر عذری آوردند

و همچنین موعود فرقان مشروط بعلائم بی‌پایان بود جابلقا و جابرصا و فتح شرق و غرب و جنوب و شمال و سلطنت قائم و سلطنت سیدالشهداء و نزول عیسی و ظهور دجال و قیامۀ کبری و حشر و نشور و جنت موعود و نیران ذات الوقود و امثال ذلک علائم لاتحصى بود اگر فرقانیان عذر و بهانه‌ئی مینمودند در نزد جاهلان مسموع بود

اما موعود بیان حضرت اعلی روحی له الفداء چنان واضح و آشکار فرمودند که از برای نفسی نه سرّاً و نه جهاراً نه باطناً نه ظاهراً نه معنانه صورت عذر و بهانه‌ئی باقی بماند بنص صریح میفرماید آیا که ان تحتجب بالواحد البیانیه او بما نزل فی البیان ملاحظه فرمائید که میفرماید مبدا به بیاناتیکه در آثار نقطهٔ اولی است از او محتجب شوید یعنی بگوئی که در بیان چنین فرموده و چنان منصوص است و همچنین میفرماید که مبدا بواحد اول از او محتجب شوی و واحد اول نفس حضرت اعلی روحی له الفداء و هیجده حروف حی است و یکی از آن حروف حی حضرت قدّوس است که حضرت اعلی روحی له الفداء بنص صریح میفرماید که سیزده واحد از مرایا در ظلّ حضرت قدّوسند با وجود این میفرماید مبدا بمن و بحروف حی از جمال موعود محبوب گردی

پس ملاحظه گردد که چه قدر تأکید فرموده و میفرماید که در یوم ظهور جمال مقصود مبدا نظر بمن کنید که من تصدیق مینمایم یا نه و بسبب من محتجب از او گردید یعنی اقبال و تصدیق من و حروف حی را منوط و مشروط ندانید این معلومست که حضرت اعلی روحی له الفداء مبشر بجمال قدم بودند و مروج آثار او استغفرالله نسیان بان عالم پاک راه ندارد تا چه رسد بعصیان اینکه میفرماید مبدا بمن از او محتجب شوید تصور محالست با وجود این بجهت تأکید میفرماید و تصریح میکند تا نفسی من بعد نگوید اگر این امر حق بود و این موعود موعود بیان البتّه مرآت قبول مینمود و اعتراف میکرد و همچنین مبدا محتجب ببعضی ظواهر بیان شوند مثل آنکه شده‌اند از جمله میگویند که توقیعی از حضرت اعلی روحی له الفداء صادر که در مکتب من یظهره الله خوانده شود پس مکتب من یظهره الله کو و سلاطین بیان کجاست و معابد و مساجد بیان کو و علائم و شعائر آن کجاست هنوز مسجدی برپا نشده معبدی بنا نگشته شریعت بیان ترویج نشده اوامر الهیه ظاهر نگشته چگونه موعود جدید آمده و من یظهره الله ظاهر شده

یاالله انصاف بدهید و چشم اعتساف ببوشید اگر اهل فرقان فریاد برآرند که حضرت اعلی روحی له الفداء فرمودند من موعود فرقانم و قیامت برپا شد و طامۀ کبری ظاهر گشت ان کان هذا هو القائم الموعود این سیفه المسلول و این لوائه

المعقود و ابن جنوده الجندة و ابن الأعنة و الأسنة ابن تروجه للشريعة الغراء و ابن تعميمه للطريقة السمحة البيضاء ابن طيران النقباء و النجباء و ابن اجتماعهم في أم القرى ابن القيامة الكبرى ابن الميزان ابن الصراط ابن الحساب ابن المحجيم المتسعره و ابن الجنة المبهجة ابن الكوثر و السلسيل و ابن الكأس الممزوجة بالكافور و الزنجبيل ابن الحوريات القاصرات الطرف في الخيام و ابن الولدان المخلدون كأنهم لؤلؤ مكنون ابن الملائكة الغلاظ الشداد و ابن السلاسل و الأغلال و ابن و ابن و ابن چه جواب گویند

حضرت اعلى روحى له الفداء میفرماید که جميع این شروط و علائم و وقایع در لمح البصر واقع ولکن ناس از مشاهده اش محتجب بالله این الانصاف جميع این وقایع عظمی در لمح البصر واقع شد و تأویل داشت و مکتب من يظهره الله قابل تأویل نیست انصفوا یا قوم ملاحظه کنید که چه قدر غافلند حضرت اعلى میفرماید ایاک ان تحتجب بما نزل فی البیان این میگوید کو مکتب من يظهره الله اینست ذکر مکتب از ما نزل فی البیانست که میفرماید مبادا بآن محتجب از من يظهره الله گردی

باری الحمد لله که حضرت اعلى روحى له الفداء هیچ حجابی نگذاشتند جميع را خرق فرمودند لکن این قوم عنود مانند عنکبوتند هر چه پرده آنرا بدری فوراً پرده جدید بتند زیرا این احتجاب منبعث از کینونت ایشانست چون امری از لوازم ذاتیه شیئی باشد انفکاک از آن محالست و علیکم التّحیّة و الثّناء ع